



فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال پانزدهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۹۹-۱۲۹

تبیین استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری مفهوم «دنیا» در اشعار سعدی و پروین^۱ ناهید بهمنش^۲، فروغ کاظمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

چکیده

بر اساس نظریه استعاره مفهومی، نظام مفهومی در ذهن انسان ماهیتی استعاری دارد و استعاره‌ها، پایه‌های اصلی انتقال مفاهیم انتزاعی هستند. در پژوهش پیش‌رو، مسئله اصلی آن است که با بررسی استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری «دنیا» در قصیده‌ها و قطعه‌های سعدی و پروین، دریا بین تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها چگونه است؟ هدف اصلی مقاله حاضر آن است که به درک این مسئله بپردازیم که مفهوم‌سازی دنیا، دیدگاه غالب این دو شاعر نسبت به دنیا را چگونه بازتاب می‌کند. پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. یافته‌های به دست آمده از بررسی داده‌ها نشان می‌دهد فراوانی رخداد استعاره‌های مفهومی هستی‌شناختی در اشعار هر دو شاعر بیش از فراوانی رخداد استعاره‌های ساختاری است. استعاره هستی‌شناختی «دنیا شیء است» در اشعار سعدی و «دنیا انسان است» در اشعار پروین از فراوانی بالایی برخوردار است. استعاره‌های ساختاری «دنیا ساختمان است»، «دنیا سفر است»، «دنیا مزرعه است»، «دنیا دریاست»، «دنیا اقتصاد و تجارت است» و «دنیا جنگ است» در شعر هر دو شاعر یافت شد. هر دو شاعر با بهره‌گیری از استعاره‌های هستی‌شناختی «دنیا» کوشیده‌اند مخاطب را در درک موقعیتی که در دنیا دارد، راهنمایی کنند و با تکیه بر استعاره‌های ساختاری «دنیا» او را وادار به

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2022.39523.2151

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088833.1402.15.47.4.9

^۲ گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

n.behmanesh.lng@iauctb.ac.ir

^۳ دانشیار گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

for.kazemi@iauctb.ac.ir

پذیرش دیدگاهی خاص نسبت به مفهوم دنیا و رفتار کردن بر اساس آن دیدگاه کنند. بر اساس یافته‌ها هر دو شاعر، دنیا و وابستگی‌های آن را به دلایلی چون ناپایداری و فناپذیری، شایسته‌دلستگی ندانسته‌اند. روی هم رفته، بدون توجه به جنبه آماری، کاربرد انواع استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری در قصیده‌ها و قطعه‌های هر دو شاعر نمایانگر تشابه دیدگاه غالب آن‌ها در زمینه مفهوم‌سازی دنیا است.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری،

سعدی، پروین، دنیا

۱. مقدمه و بیان مسئله

رویکرد زبان‌شناسی شناختی^۱ از میان دیگر رویکردهای غالب زبان‌شناسی امروز، رویکردی است که به نظر می‌رسد بیش از پیش به مبحث رابطه میان زبان و ذهن نزدیک شده‌است. در این رویکرد، زبان دریچه‌ای به ذهن آدمی است؛ به این معنا که با بررسی زبان می‌توان الگوهای مفهوم‌سازی در ذهن را شناسایی کرد. یکی از نظریه‌های مورد توجه در این رویکرد، نظریه استعاره مفهومی^۲ است که در آن استعاره^۳ به‌عنوان یک سازوکار ذهنی انگاشته می‌شود. بنابراین باور بر آن است که با بررسی استعاره‌ها می‌توان به الگوهای مفهوم‌سازی^۴ در ذهن دست یافت. همسو با باور زبان‌شناسان شناختی، استعاره ریشه در ذهن و تجربه‌های فیزیکی، فرهنگی و اجتماعی انسان دارد و بر این مبنای، تجلی استعاره‌ها در آثار شاعران و نویسندگان به‌واسطه بهره‌مندی آن‌ها از همان منبع‌های فکری است که به روش معمول، در زبان روزمره وجود دارد. به باور آن‌ها، استعاره ابزار مناسبی برای بررسی شیوه اندیشیدن و نگرش است. بنابراین می‌توان گفت زبان‌شناسی شناختی پلی ارتباطی میان زبان‌شناسی و ادبیات فراهم نموده که به یاری آن می‌توان به بررسی و پژوهش در زمینه آثار ادبی پرداخت. بر این مبنای، ادبیات ایران که یکی از پربارترین و کهن‌ترین منبع‌های ادبی جهان است و دربرگیرنده آثار ارزشمند بسیاری در زمینه شعر و نثر در انواع ادبی غنایی، حماسی، نمایشی و تعلیمی است؛ بستر مناسبی برای پژوهش‌های زبان‌شناسی شناختی به شمار می‌رود. بررسی و مقایسه آثار ادبی به‌ویژه با سبک‌های مشابه بر مبنای نظریه استعاره مفهومی، می‌تواند به آشکارسازی لایه‌های فکری و بازنمایی شیوه تفکر پدیدآورندگان آن‌ها بینجامد و نشان دهد که تا چه اندازه شاعران و نویسندگان امروزی از نیاکان پیشین خود تأثیر پذیرفته‌اند.

¹ cognitive linguistics

² conceptual metaphor theory

³ metaphor

⁴ conceptualization patterns

پهنه گسترده‌ای از ادبیات فارسی را ادبیات تعلیمی^۱ در بر می‌گیرد؛ به گونه‌ای که آثاری مانند شاهنامه فردوسی با درون‌مایه‌های حماسی و یا مثنوی مولوی، به واسطه آموزش‌های اخلاقی و بیان مضامین اخلاقی در دسته ادبیات تعلیمی نیز جای دارند. منظور از ادبیات تعلیمی، ادبیاتی است که رستگاری و نیک‌فرجامی انسان را در نظر دارد و تلاش آفریدگان چنین آثاری، پرورش اخلاقی مخاطبان است (Moshref, 2010). موضوع آثار تعلیمی معمولاً مسائل اخلاقی، عرفانی، مذهبی، اجتماعی، پند و اندرز و حکمت است. رودکی، ناصر خسرو، نظامی، عطار، سعدی، حافظ و پروین از شاعران پرآوازه در حوزه ادبیات تعلیمی هستند. در این میان، اشعار سعدی و پروین اعتصامی از بارزترین نمونه‌های شعر تعلیمی به شمار می‌آیند؛ بنابراین، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود مفهوم «دنیا» که یک مفهوم انتزاعی است و مانند دیگر مفهوم‌های ذهنی، استعاره‌ها در مفهوم‌سازی آن نقش اساسی دارند؛ در اشعار این دو شاعر مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر می‌تواند چگونگی مفهوم‌سازی «دنیا» از سوی این دو شاعر را برای پژوهشگران حوزه‌های زبان‌شناسی، ادبیات، علوم تربیتی و روانشناسی، فلسفه و دیگر علاقه‌مندان روشن سازد و از این جنبه بسیار اهمیت دارد. هدف از این پژوهش، بازنمایی تفکر غالب دو شاعر نسبت به دنیا است. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که به این پرسش‌ها پاسخ دهد: الف) فراوانی رخداد گونه‌های مختلف استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری مفهوم «دنیا» در قصیده‌ها و قطعه‌های سعدی و پروین چگونه است؟ تا دریابیم هر شاعر بیشتر از کدام گونه از این استعاره‌های مفهومی و با چه میزان و فراوانی برای مفهوم‌سازی «دنیا» بهره‌جسته است و عملکرد این دو شاعر در این زمینه را چگونه می‌توان مقایسه و تبیین نمود؟ ب) مفهوم‌سازی «دنیا» دیدگاه غالب این دو شاعر نسبت به دنیا را چگونه نشان می‌دهد؟

۲. روش پژوهش

این پژوهش، یک پژوهش توصیفی-تحلیلی است. برای یافتن پاسخ پرسش‌ها، نخست به ارائه مبانی نظری و بررسی دیدگاه شناختی لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 2003) در مورد استعاره‌ها و مرور ادبیات پژوهش پرداختیم. پس از آن، کوشیدیم تا بر اساس مفاهیم نظریه استعاره مفهومی، مفهوم «دنیا» در قالب‌های شعری قصیده و قطعه در دیوان سعدی و پروین اعتصامی را بررسی و مقایسه کنیم. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش از گونه اسنادی است که از کلیات سعدی (Saadi, 2002) و دیوان پروین اعتصامی (Etessami, 2018) به وسیله یادداشت‌برداری

¹ didactic literature

گردآوری شده‌است. برای کشف استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری «دنیا»، با بررسی عمیق متن و درک آن، تلاش شد هر دو دسته از نگاهت‌های استعاری آشکار و بافتی از متن استخراج و سپس به مقایسه کمی و کیفی و تحلیل آن‌ها پرداخته شود. گفتنی است به سبب آنکه برخی بیت‌ها بیش از یک استعاره مفهومی از دنیا را در بر می‌گیرند، در استعاره‌های مفهومی مرتبط تکرار شده‌اند. در این مقاله برخی از بیت‌ها و استعاره‌های آن‌ها به‌عنوان نمونه در تحلیل آمده‌است؛ ولی مابقی داده‌های تحلیل‌شده، فهرست‌وار به وسیله جدول و نمودار ارائه شده‌اند. بر مبنای سروده‌های دو شاعر، نخست برای هر یک به حجم مساوی ۱۲۰۰ بیت قصیده و ۶۰۰ بیت قطعه در نظر گرفته شد؛ برای انجام روش نمونه‌گیری تصادفی در قصیده‌ها، از یک سوم اول و یک سوم آخر هر کدام ۴۰۰ بیت و در قطعه‌ها نیز به همین ترتیب، از یک سوم اول و یک سوم آخر هر یک ۲۰۰ بیت برای هر شاعر انتخاب و برای انجام تحلیل‌ها در کل پیکره، ۱۶۰۰ بیت قصیده و ۸۰۰ بیت قطعه مورد استفاده قرار گرفت.

۳. مبانی نظری

۳.۱. زبان‌شناسی شناختی

هدف اصلی رویکرد زبان‌شناسی شناختی که از دهه ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفت، بازنمایی ساختار مفهومی است. در این نگرش، درک ساده‌ترین جمله‌ها بدون پشتیبانی دیگر نظام‌های شناختی امکان‌پذیر نیست و هم‌زمان و هم‌اندیشه را دارای نظام و ساختار می‌دانند. به باور زبان‌شناسان شناختی ساختار نظام‌مند زبان می‌تواند ساختار اندیشه را بازنمایاند (Talmy, 2000, p. 541). در واقع، در این رویکرد زبان وسیله‌ای برای کشف ساختار نظام شناختی انسان است. در زبان‌شناسی شناختی باور بر این است که زبان از طریق واحدهای نمادین، افکار را رمزگذاری می‌کند و به این ترتیب امکان انتقال مفاهیم و افکار پیچیده را فراهم می‌سازد. نمادها یا واحدهای نمادین واحدهایی از زبان هستند که صورت و معنی دارند و می‌توانند شامل تکواژ، واژه ساده، واژه پیچیده یا زنجیره‌ای از واژه‌ها باشند. با آنکه در این رویکرد واژه‌ها کلیدی برای مفهوم‌سازی هستند، درک کامل یک جمله خارج از بافت امکان‌پذیر نیست (Langacker, 1987). مهم‌ترین اصل زبان‌شناسی شناختی آن است که زبان چیزی جز معنا نیست. در دیگر رویکردهای زبان‌شناسی به وجود حوزه برای نحو، صرف و واج‌شناسی معتقد هستند و باور بر این است که قواعد هر حوزه از حوزه دیگر جدا است؛ ولی در دیدگاه شناختی معنا و مفهوم‌سازی بخش بسیار مهمی است که در دیگر بخش‌های زبان همچون نحو، صرف و واج‌شناسی وجود دارد (Geraerts, 2006).

پژوهش‌های زبان‌شناسی شناختی را روی هم رفته می‌توان به دو بخش اساسی دسته‌بندی نمود: معناشناسی شناختی^۱ و دستورشناختی^۲. اصطلاح معناشناسی شناختی نخستین بار از سوی لیکاف مطرح شد و نگرشی را معرفی کرد که بسیاری از معناشناسان را شیفته خود ساخت (Safavi, 2016, p. 363). معناشناسی شناختی با مفهوم‌سازی و ساختار مفهومی سروکار دارد. به این معنا که برای معناشناسان شناختی بررسی معنا زبانی به خودی خود هدف نیست، بلکه هدف استفاده از آن در درک ماهیت نظام مفهومی ذهن انسان است. آن‌ها معنای زبانی را بررسی می‌کنند تا با چگونگی مقوله‌بندی ذهن از مفاهیم، فضاهای ذهنی، حوزه‌های شناختی و چگونگی ارتباط میان آن‌ها در استعاره، مجاز و موضوعاتی مانند آن آشنا شوند (Rasekhmahand, 2018, p. 43). از اساسی‌ترین بخش‌های پژوهش‌های معناشناسی شناختی، بحث استعاره است.

۳.۲. استعاره شناختی

در دیدگاه سنتی استعاره اغلب نوعی صنعت ادبی انگاشته می‌شود که با زبان ارتباط دارد و نه با تفکر. در این دیدگاه درک فرایند استعاره به درک فرایند تشبیه وابسته است (Safavi, 2016)؛ ولی در زبان‌شناسی شناختی استعاره به زبان ادب محدود نمی‌شود، بلکه پدیده‌ای مربوط به زبان روزمره است و در واقع ابزار و شاهدهی است برای بررسی رفتارهای زبانی و چگونگی اندیشیدن درباره جهان خارج و مفهوم‌سازی آن در ذهن (Lakoff & Johnson, 1999). لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 2003)، در کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم»^۳ در سال ۱۹۸۰ از استعاره، تحلیلی شناختی ارائه دادند که نظریه استعاره مفهومی^۴ یا نظریه مفهومی درباره استعاره^۵ نام گرفت. در نظریه استعاره مفهومی بیان شد فهم هر حوزه مفهومی در ذهن بر اساس حوزه مفهومی دیگر انجام می‌پذیرد. لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 2003) در کتاب خود با آوردن شمار بسیاری از مفاهیم استعاری مربوط به دو حوزه متفاوت مانند «بحث جنگ است»، «زمان پول است» و موارد مشابه که فعالیت‌های روزانه ما را شکل می‌دهند، نشان دادند که در استعاره شباهت میان قلمرو مبدأ و مقصد ضرورت ندارد و در واقع ریشه‌های تجربی و فرهنگی حاکم بر ذهن هستند که سبب انتخاب یک حوزه برای حوزه دیگر و ایجاد ارتباط میان دو مفهوم می‌شود. بنا به گفته لیکاف و جانسون نظام مفهومی انسان‌ها به‌طور طبیعی در زیر

¹ cognitive semantics

² cognitive grammar

³ metaphors we live by

⁴ conceptual metaphor

⁵ conceptual theory of metaphor

حاکمیت استعاره است؛ زیرا انسان بسیاری از مفاهیم بااهمیت مانند احساسات، نظرها، زمان و موارد مشابه که انتزاعی هستند را به وسیله مفاهیم دیگر همچون جهت‌های مکانی یا اشیاء و مانند آن درک می‌کند (Lakoff & Johnson, 2003).

همسو با نظریه استعاره مفهومی، هر استعاره دارای دو حوزه یا دو نگاشت متناظر با هم است: حوزه مبدأ و حوزه مقصد. با توجه به صورت‌بندی لیکاف (Lakoff, 1993) برای بیان مفهوم «عشق» در استعاره «عشق سفر است»، می‌توان استعاره را نگاشت سازمان‌یافته از حوزه مبدأ به حوزه مقصد دانست که با صورت‌بندی «حوزه مقصد، حوزه مبدأ است» بیان می‌شود. برای همه استعاره‌ها می‌توان یک حوزه مبدأ و یک حوزه مقصد مشخص کرد. حوزه مبدأ معمولاً عینی‌تر، ملموس‌تر و تجربی‌تر است؛ ولی حوزه مقصد معمولاً؛ ذهنی‌تر و انتزاعی‌تر است (Lee, 2001, p. 6). به باور لیکاف و جانسون حوزه‌های مبدأ می‌توانند شامل جهت‌های فیزیکی، اشیاء، مواد، ادراک، سفر، جنگ، دیوانگی، غذا، ساختمان و مانند آن باشد. حوزه‌های مقصد هم شامل عشق، زمان، ایده‌ها، بحث‌ها، کار، شادی، سلامتی، تسلط، جایگاه، اصول اخلاقی و مانند آن است (Lakoff & Johnson, 2003, p.118).

بر پایه نظریه استعاره مفهومی هنگامی که قلمرو مقصد در چارچوب خاصی از قلمرو مبدأ مفهوم‌سازی می‌شود، فقط پاره‌ای از ویژگی‌های عینی و ویژه از قلمرو مقصد برجسته می‌گردد و در عین حال سایر ویژگی‌ها مخفی می‌ماند. برای نمونه، در استعاره «عشق، یک اثر هنری مشترک» است، جنبه‌های نزدیک به همراهی و همدلی در زندگی مشترک برجسته می‌شود؛ ولی این حقیقت که در یک زندگی مشترک جنبه‌های نبردگونه نیز می‌تواند وجود داشته باشد، از دیده پنهان می‌شود (Evans & Green, 2006).

۳.۳. انواع استعاره‌های شناختی

بر مبنای دسته‌بندی لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 2003)، سه نوع استعاره مفهومی در زبان دیده می‌شود: استعاره‌های ساختاری^۱، استعاره‌های جهت‌مند^۲ و استعاره‌های هستی‌شناختی^۳. در استعاره‌های ساختاری یک مفهوم به شکلی استعاری در چارچوب مفهوم دیگری سازمان می‌یابد. برای نمونه مفهوم استعاری «بحث جنگ است»، آن‌چه را که به هنگام بحث انجام می‌شود و چگونگی درک آن را تا اندازه‌ای سازمان‌دهی می‌کند. این گونه نیست که

¹ structural metaphors

² orientational metaphors

³ ontological metaphors

بحث نوعی جنگ باشد. بحث و جنگ دو مقوله متفاوت هستند. ولی بحث تا اندازه‌ای به وسیله مفهوم جنگ سازمان می‌یابد و درک می‌شود و می‌توان در مورد آن گفت‌وگو کرد (Lakoff & Johnson, 2003). نوع دوم استعاره‌های مفهومی، استعاره‌های جهت‌مند هستند. در این نوع استعاره، نظام کاملی از مفاهیم با توجه به یک نظام کامل دیگر سازمان‌دهی می‌شود. بسیاری از این استعاره‌ها با جهت‌های مکانی در ارتباط اند؛ مانند بالا و پایین، جلو و عقب، داخل و خارج، دور و نزدیک، مرکز و حاشیه (همان، ۱۵).

استعاره هستی‌شناختی نوع دیگری از استعاره است که بر بنیان تجربه ما از مواد و اجسام فیزیکی و به‌ویژه جسم خودمان است. این استعاره‌ها به گونه‌های مختلفی از پدیده‌ها اشاره دارند و الگوهای استعاری متفاوتی را برای چستی ذهن فراهم می‌آورند و به این وسیله به ما اجازه می‌دهند تا بر جنبه‌های گوناگون تجربه‌های ذهنی متمرکز شویم. این گونه از استعاره خود به سه دسته ماده (شیء)، ظرف و شخص دسته‌بندی می‌شود که به نظر نقش مهمی در شفاف‌سازی مفاهیم انتزاعی دارند. دانستن یک مفهوم انتزاعی به مانند یک شیء مادی یا موجود به ما در درک کامل آن مفهوم کمک می‌کند. از آن‌جا که ما میان وجود خود و جهان هستی مرزی به عنوان درون و بیرون در نظر می‌گیریم، این ویژگی را به دیگر اشیاء مادی که مقید به سطوح هستند گسترش می‌دهیم که از آن به‌عنوان استعاره ظرف یاد می‌شود. استعاره ظرف می‌تواند ظرف (شیء ظرف) و یا مظروف (ماده ظرف) باشد. برای نمونه، در یک وان آب، هم وان و هم آب هر دو استعاره ظرف هستند، با این تفاوت که وان، شیء ظرف و آب، ماده ظرف است. گویی، استعاره تشخیص، بدیهی‌ترین و معمول‌ترین نوع استعاره‌های هستی‌شناختی به شمار می‌رود؛ زیرا به باور لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 2016) انسان‌پنداری پدیده‌های انتزاعی، استعاره‌ای قدرتمند است که می‌تواند جامعه بشری را به راحتی به کنش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وادارد (Lakoff & Johnson, 2016, p. 49).

۴. مروری بر پژوهش‌های پیشین

۴.۱. پژوهش‌های داخلی

بررسی‌ها نشان می‌دهد پژوهشگران حوزه‌های گوناگون همچون علوم تربیتی، فلسفه، علوم مذهبی، ادبیات فارسی و عربی و مانند آن تلاش نموده‌اند به یاری نظریه‌های ارائه‌شده در رویکرد شناختی به تبیین نقش استعاره در حوزه خود پردازند. برای نمونه، می‌توان به پژوهش غفوری صالح و کاظمی (Ghafurisaleh & Kazemi, 2022) در پیوند با زبان استعاری سیاسی، پژوهش هاشمی و قوام (Hashemi & Ghavam, 2014) درباره نگرش احمد غزالی به عشق و پژوهش

قائمی و ذوالفقاری (Ghaemi & Zolfaghari, 2016) با نام «بررسی زبان‌شناختی استعاره عام» مقصود مقصد است» اشاره کرد.

از میان پژوهش‌هایی که در حوزه شعر شاعران با سبک تعلیمی انجام شده‌اند، پژوهش مراد و حسوند (Morad & Hassanvand, 2018) با نام «کاربرد استعاری دنیا در شعر پروین با رویکرد شناختی» است. وجه مشترک پژوهش یادشده با پژوهش حاضر آن است که هر دو بر استعاره‌های دنیا متمرکز شده‌اند؛ ولی در پژوهش آن‌ها گردآوری داده‌ها فقط از استعاره‌های مصرحه «دنیا» در شعر پروین انجام گرفته؛ به بیانی، نمونه‌ها شامل استعاره‌های کلاسیک «دنیا» هستند و مشابه در آن‌ها نمایان شده‌است. بنابراین از این جنبه با پژوهش حاضر تفاوت دارد؛ زیرا در پژوهش حاضر استعاره‌های «دنیا» در شعر سعدی و پروین به طور کل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این پژوهشگران، محور اندیشه پروین را دنیاسازی معرفی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش سراج و بختیاری (Seraj & Bakhtiyari, 2018) با نام «استعاره‌های هستی‌شناختی در شاهنامه فردوسی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی» نشان داده که فردوسی بسیاری از مفاهیم انتزاعی را به وسیله اشیاء مادی مفهوم‌سازی کرده‌است و استعاره‌های هستی‌شناختی، پربسامدترین نوع استعاره در شاهنامه است. خراسانی و غلامحسین‌زاده (Khorasani & Gholamhosseinzade, 2018) در پژوهش خود با نام «استعاره مفهومی: نقطه تلاقی تفکر و بلاغت در قصاید ناصر خسرو» به جنبه‌های استعاری فلسفی، اخلاقی، تعلیمی، عقیدتی، مذهبی و تفاخر در آثار ناصر خسرو پرداخته‌اند. شریفی مقدم و همکاران (Sharifi Moghadam et al., 2019) در پژوهش خود به بررسی تنوع و فراوانی حوزه‌های مبدأ استعاره‌های مفهومی غم و شادی و میزان جهان‌شمول بودن این مفاهیم در اشعار پروین پرداخته‌اند. آن‌ها نتیجه گرفته‌اند که شباهت‌های بین استعاره‌های به کاررفته در پیکره پژوهش و فهرست جهانی تا اندازه‌ای است که نمایانگر بعد همگانی تفکر استعاری است. پژوهش مبارک و پارسا (Mobarak & Parsa, 2019) با نام «بررسی و مقایسه استعاره در قصاید مسعود سعد و ناصر خسرو» از جنبه انتخاب بررسی تطبیقی برای اشعار دو شاعر دارای سبک همسان، با پژوهش حاضر همخوانی دارد. آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که فقط استعاره است که می‌تواند در بازنمون و ارزیابی ابعاد ادبی و فکری دو شاعر راهگشا باشد. از دیگر پژوهش‌های اخیر انجام گرفته در حوزه استعاره مفهومی می‌توان به پژوهش کارگر و همکاران (Kargar et al., 2020) با نام «بررسی نقش نور در مفهوم‌سازی عشق در غزلیات حافظ» و پژوهش امیدعلی (Omidali, 2021) با نام «تحلیل خشم در مثنوی مولوی با تکیه بر نظریه استعاره مفهومی لیکاف» اشاره کرد. خزاعی اصفهانی (Khzaee Esfahani, 2021) نیز

در پژوهش «بررسی تطبیقی استعاره و حوزه‌های مبدأ و مقصد در غزلیات حافظ و سعدی در چهارچوب زبان‌شناسی شناختی» به نگارش درآورده‌است. او در رساله خود با توجه به نظریه استعاره مفهومی کوشیده به شناخت بهتری از شخصیت فردی و اجتماعی، شیوه تفکر و نگرش دو شاعر مورد بررسی دست یابد. گفتنی است که در رساله یادشده استعاره‌های مفهومی در شعر حافظ و سعدی به طور کلی مورد توجه قرار گرفته‌اند، افزون بر آنکه در این پژوهش به استعاره «دنیا» پرداخته نشده‌است.

۴.۲. پژوهش‌های خارجی

بر پایه بررسی‌های انجام‌شده، در میان پژوهش‌های خارجی بررسی مشابهی در پیوند با مفهوم‌سازی «دنیا» یافت نشد. در پژوهش‌های انجام‌گرفته بر روی اشعار، بیشتر نقش و کارکرد استعاره بررسی شده‌است که از آن جمله می‌توان به پژوهش یانگ (Yang, 2015) اشاره کرد. در برخی از پژوهش‌ها به بازنمایی اندیشه غالب شاعر در مورد مفاهیم توجه شده‌است؛ مانند پژوهش الامین (El-Amin, 2017) که به بررسی چگونگی مفهوم‌سازی «عشق» در اشعارالصباح، شاعر کویتی، پرداخته تا دریابد او از چه حوزه‌های مبدأیی برای این منظور استفاده کرده و آیا جنسیت زنانه او و فرهنگی که در آن پرورش یافته در گزینش و ساخت استعاره‌ها تأثیر داشته‌است یا خیر. در برخی دیگر از پژوهش‌های ادبی، به انواع استعاره‌های یک یا چند مفهوم پرداخته شده‌است؛ برای نمونه پژوهش ایستیکوما (Istiqomah, 2019) گفتنی است که پژوهشی در مورد اشعار رجاعلی حاجی^۱ و رابرت هریک^۲ است که در آن به تبیین استعاره‌های هستی‌شناختی، ساختاری و جهتی پرداخته شده و فراوانی رخداد انواع استعاره‌ها مورد توجه قرار گرفته‌است. مفید (Mufeed, 2020) نیز به بررسی حوزه‌های مبدأ استعاره‌های مفهومی «زمان» در غزلیات شکسپیر از دیدگاه شناختی پرداخته‌است. پژوهش درخور توجه دیگری که به بازنمایی تفکر غالب یک شاعر پرداخته، پژوهش نایکر (Naicker, 2020) در پیوند با استعاره‌های مفهومی در شعر «بازی من تمام شده‌است» اثر ویوکاناندا^۳، است. بر مبنای یافته‌های این پژوهش، استعاره‌های به‌کارگرفته شده در این اثر، تفاوت فلسفه فکری شرق با غرب را بازنمون می‌کنند. زیادی و همکاران (Ziadi et al., 2022) به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های اشعار امیلی دیکنسون^۴ و سلیمان جوادی^۵

¹ Raja Ali Haji

² Robert Herrick

³ Vivekananda

⁴ Emily Dickinson

⁵ Sulimane Djuadi

پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که هر دو شاعر تلاش نموده‌اند مفاهیمی همچون غم، شادی، عشق و آزادی را در قالب استعاره‌ها بیان کنند.

روی هم رفته، پس از بررسی و مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی دیده می‌شود با وجود پژوهش‌های گوناگون در زمینه استعاره مفهومی، درباره مقایسه چگونگی مفهوم‌سازی «دنیا» در آثار شاعران به‌ویژه با سبک تعلیمی، پژوهشی انجام نگرفته‌است و بنابراین ضرورت انجام پژوهش حاضر آشکار می‌گردد.

۵. پیکره پژوهش و تحلیل داده‌ها

۵.۱. نمونه‌هایی از استعاره‌های هستی‌شناختی «دنیا» در قصیده‌ها و قطعه‌های

سعدی و پروین

قارون ز دین برآمد و دنیا برو نماند
بازی رکیک بود که موشی شکار کرد
(Saadi, 2002, p. 760)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه شیء از دست دادنی است.

حوزه مبدأ: شیء از دست دادنی (شیء)

در مصرع نخست بیت بالا، «دنیا» به‌مثابه شیئی مفهوم‌سازی شده‌است که در صورتی که فرد اخلاق مدار و دین‌مداری را کنار گذارد؛ این شیء را از دست می‌دهد. در حقیقت، دنیا در این جا به مال و منصب اشاره دارد (مال و منصب متعلق به دنیا)

جفا مکن که نماند جهان و هر چه دروست
وفا و صحبت یاران مهربان ماند
(Saadi, 2002, p. 764)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه شیء ظرف است.

حوزه مبدأ: شیء ظرف (شیء)

مفهوم‌سازی با «شیء ظرف» به درک وضعیت‌ها می‌انجامد. از آن‌جا که زندگی دنیوی در یک محدوده مکانی و زمانی تجلی دارد، پس «دنیا» مرزهای روشنی دارد. بنابراین بر پایه رویکرد سه‌گانه لیکاف و جانسون از استعاره‌های هستی‌شناختی این بار در این بیت، آن را یک «شیء ظرف» به‌شمار می‌آوریم که درون‌مایه‌هایی شامل غم و شادی و موارد مشابه دارد. این درون‌مایه‌ها ماندگار نیستند و روزی به پایان می‌رسند.

جهان بر آب نهادست و زندگی بر باد
غلام همت آنم که دل بر او نهاد
(Saadi, 2002, p. 757)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه کشتی است.

حوزه مبدأ: کشتی و ماده یا شیء؛ شیء روی آب (شیء)

بس بگردید و بگردد **روزگار** دل به دنیا در نبندد هوشیار

(Saadi, 2002, p. 773)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه شیء متحرک است.

حوزه مبدأ: شیء متحرک (شیء)

به طور معمول در زبان ما به گذشت روزگار و دنیا زیاد اشاره می‌شود؛ ولی آن‌چنان عادی و رایج است که معمولاً متوجه آن نمی‌شویم. بر پایه دیدگاه شناختی، دو حالت از گذشتن «روزگار و دنیا» را می‌توان در نظر گرفت. در یک حالت روزگار ثابت و بی‌حرکت است و ما در حال حرکت کردن هستیم، مانند «او طوری عمل می‌کند که گویی برای رفتن به سوی آخرت شتاب دارد». در حالت دیگر، روزگار و دنیا در حال گذر است و ما ثابت و بی‌حرکت ایستاده‌ایم. در بیت‌های بالا، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، سعدی روزگار و دنیا را به‌مثابه یک شیء متحرک مفهوم‌سازی کرده است.

راغب **دنیا** مشو که هیچ نیرزد هر دو جهان پیش چشم همت عالی

(Saadi, 2002, p. 905)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه شیء است.

حوزه مبدأ: شیء بی‌ارزش (شیء)

در این بیت، استعاره مفهومی «دنیا به‌مثابه ماده یا شیء بی‌ارزش» است، را می‌توان نمونه‌ای از استعاره‌های هستی‌شناختی در نظر گرفت که مطابق دسته‌بندی موجود در رویکرد لیکاف و جانسون به‌مثابه ماده است و این استعاره در زبان فارسی به‌صورت یک شیوه‌اندیشیدن کاربرد دارد. جمله‌های زیر نمونه‌هایی از این شیوه‌اندیشیدن هستند:

۱. دنیا به پیشیزی نمی‌ارزد.

۲. دنیا همه هیچ است.

۳. نیرزد گنج دنیا، رنج دنیا.

۴. دنیا ارزش ندارد.

اقرار می‌کند دو **جهان** بر یگانگیش یکتا و پشت عالمیان بر درش دو تا

(Saadi, 2002, p. 747)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه انسان است. (در این بیت آوردن «دو جهان» آشکارا به دنیای پس

۱۱۰ / تبیین استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری مفهوم «دنیا» در اشعار سعدی و پروین / بهمش و ...

از مرگ اشاره دارد.)

حوزه مبدأ: انسان (عام)

در این بیت، شاهد نوع دیگر استعاره‌های هستی‌شناختی لیکاف و جانسون یعنی تشخیص هستیم. در فرآیند تشخیص یا شخص‌انگاری، جنبه‌های ویژه‌ای از انسان برگزیده می‌شوند و برای بیان نوع نگاه ما به یک مفهوم غیرانتزاعی به کار می‌رود؛ برای نمونه، در بیت بالا، سعدی با مفهوم‌سازی دنیا و آخرت به صورت انسان، امکان سخن گفتن و اقرار را برای این مفاهیم انتزاعی در نظر گرفته و در بیت دوم قدرت انجام کار داشتن را برای «ایام» و به بیانی «دنیا» ایجاد کرده‌است.

چه حاجتست عیان را باستماع بیان که بی‌وفایی دور فلک نهانی نیست

(Saadi, 2002, p. 756)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه انسان بی‌وفا است.

حوزه مبدأ: بی‌وفا (انسان)

دنیا زنی است عشوه ده و دلستان ولیک با کس بسر همی نبرد عهد شوهری

(Saadi, 2002, p. 807)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه زن عشوه‌گر و بدعهد است.

حوزه مبدأ: زن (انسان)

سعدی با انسان‌انگاری دنیا در چارچوب واژه‌ها و پاره‌گفته‌هایی همانند مادر نامهربان، انسان بی‌وفا و زن بدعهد تلاش نموده به خواننده در درک و شناسایی جنبه‌های منفی مفهوم «دنیا» یاری رساند.

به سر بر شو این گنبد آبگون را به هم بشکن این طبل خالی میان را

(Etessami, 2018, p. 45)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه طبل است.

حوزه مبدأ: طبل، شیء توخالی و پرسرو صدا (شیء)

صاحب نظر کسی که درین پست خاکدان دست از سر نیاز، سوی این‌ آن نداشت

(Etessami, 2018, p. 55)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه کالایی بی‌ارزش است.

حوزه مبدأ: کالا و شیء یا همان ماده بی‌ارزش (شیء)

ز خرمن فلک ای دوست، خوشه‌ی نبری که غنچه و گل این باغ بهر چیدن نیست

(Etessami, 2018, p. 183)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه شیء از دست دادنی است.

حوزه مبدأ: شیء از دست دادنی (شیء)

جز گرد نکویی مگرد هرگز نیکي است که پاینده در جهانست

(Etessami, 2018, p. 49)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه ظرف است.

حوزه مبدأ: ظرف، شیء دارای حجم (شیء)

چرخ یکی دفتر کردارهاست پیشه مکن بیهده کـردار را

(Etessami, 2018, p. 47)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه دفتر است.

حوزه مبدأ: دفتر، شیء و وسیله برای ثبت اعمال (شیء)

آن چه که دوران نخرد یکدلیست آنچه که ایام ندارد وفاست

(Etessami, 2018, p. 60)

اگر صد قرن شاگردی کنی در مکتب گیتی نیاموزی از این بی مهر درس مهربانی را

(Etessami, 2018, p. 159)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه انسان بی وفا است. / دنیا به مثابه انسان بی مهر است.

حوزه مبدأ: انسان بی وفا / انسان بی مهر (انسان)

چه آسان به دامت درافکند گیتی چه ارزان گرفت از تو عمر گران را

(Etessami, 2018, p. ۴۵)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه صیاد است.

حوزه مبدأ: صیاد (انسان)

ز بداندیش فلک چند شوی ایمن ز ستم پیشه جهان چند کشی استم؟

(Etessami, 2018, p. 103)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه انسان ستمگر و سنگدل است.

حوزه مبدأ: ستمگر (انسان)

تکیه بر اختر فیروز مکن چندین ایمن از فتنه ایام مشو چندان

(Etessami, 2018, p. 112)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه انسان فتنه گر است.

حوزه مبدأ: انسان فتنه‌گر (انسان)

به رهش هیچ شحنه راه نیافت **دزد ایام** دزد آگاهی است

(Etessami, 2018, p. 164)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه دزد است.

حوزه مبدأ: دزد (انسان)

۵. ۲. نمونه‌هایی از استعاره‌های ساختاری «دنیا» در قصیده‌ها و قطعه‌های سعدی و پروین

پروین

گر اهل معرفتی دل در آخرت بندی **نه در خرابه دنیا** که محنت آباد است

(Saadi, 2002, p. 754)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه خرابه است.

حوزه مبدأ: خرابه (ساختمان)

دل ای رفیق درین **کاروان‌سرای** میند **که خانه** ساختن آیین کاروانی نیست

اگر **جهان** همه کامست و دشمن اندر پی **بدوستی** که جهان جای کامرانی نیست

(Saadi, 2002, p. 756)

دنیا که جسر آخرتش خواند مصطفی **جای** نشست نیست بیاید گذار کرد

دارالقرار خانه جاوید آدمیست **این جای رفتنست** و نشاید قرار کرد

(Saadi, 2002, p. 760)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه کاروان‌سرا و مهمان‌سرا و منزل زودگذر است. (تحلیل بیت‌ها بر مبنای معنی بافتی است. بیت دوم که به‌عنوان شاهد نوشته شده است؛ به‌روشنی نشان می‌دهد که منظور شاعر از **کاروان‌سرای** در **بیت** نخست، **جهان** است. همچنین بیت سوم که دوباره به‌عنوان شاهد نوشته شده است؛ به‌روشنی نشان می‌دهد که منظور شاعر از **این جای رفتنست** در **بیت** چهارم، **دنیا** است.)

حوزه مبدأ: کاروان‌سرا و مهمان‌سرا و منزل زودگذر (سفر)

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود **مزد آن گرفت جان برادر** که کار کرد

هر کو عمل نکرد و عنایت امید داشت **دانه نکاشت** ابله و دخل انتظار کرد

دنیا که جسر آخرتش خواند مصطفی **جای** نشست نیست بیاید گذار کرد

(Saadi, 2002, p. 760)

خدای سلطنت بر زمین **دنیا** داد
ز بهر آنکه درو تخم آخرت کاری
به نیک و بو چو باید گذاشت این بهتر
که نام نیک به دست آوری و بگذاری
(Saadi, 2002, p. 805)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه زمین کشت و مزرعه است.

حوزه مبدأ: مزرعه

سعدی با بهره گیری از حوزه مبدأ مزرعه، بر لزوم تلاش در دنیا برای انجام اعمال نیک و ذخیره توشه برای آخرت تأکید کرده است.

گذشتنگه است این **سرای سپنجی**
برو بازجو دولت جـاودان را
(Etessami, 2018, p. 45)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه سرای سپنجی است.

حوزه مبدأ: سرای سپنجی (ساختمان)

ز بس مدهوش افتادی تو در **ویرانه گیتی**
به حیلت دیو برد این گنج‌های رایگانی را
(Etessami, 2018, p. 159)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه ساختمان خرابه، کهنه و ویرانه است.

حوزه مبدأ: ویرانه (ساختمان)

داری **سفر** به پیش و همی بینم
بسی رهنما و راحله و زادت
(Etessami, 2018, p. 62)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه سفر است. (تحلیل این بیت بر مبنای معنی بافتی است).

حوزه مبدأ: سفر

از دل سفینه باید و از دیده ناخدای
در **بحر روزگار** که کنه و کران نداشت
(Etessami, 2018, p. 55)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه بحر است.

حوزه مبدأ: بحر (دریا)

مزروع تو گـر تلخ یا که شیرین
هنگام درو، حاصلت همانست
(Etessami, 2018, p. 50)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه مزرعه است. (تحلیل این بیت بر مبنای معنی بافتی است).

حوزه مبدأ: زمین کشت (مزرعه)

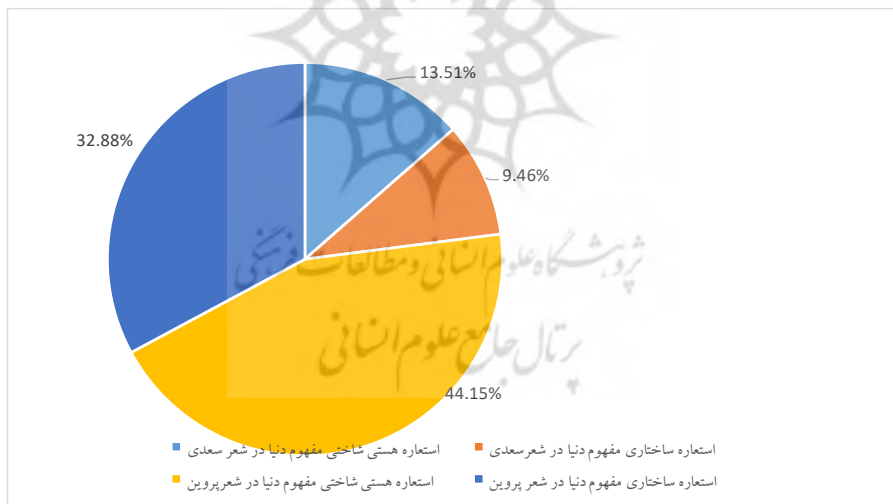
فلک ای دوست به **شطرنج** همی ماند
که زمانیت کند مات و گهی فرزین

(Etessami, 2018, p. 120)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه بازی شطرنج است.

حوزه مبدأ: بازی شطرنج (ورزش)

بر پایه آن چه پیش تر در مبانی نظری بیان شد، در این پژوهش، داده‌ها با حوزه‌های مبدأ شیء، ظرف، انسان، حیوان و گیاه از نوع استعاره‌های هستی‌شناختی به شمار می‌روند و از آن‌جا که استعاره‌های ظرف یافت شده، شیء ظرف برداشت شدند، در زیرمجموعه حوزه‌های مبدأ شیء قرار داده شدند. همچنین استعاره‌های مفهومی با حوزه‌های مبدأ سفر، ساختمان، دریا، مزرعه، اقتصاد و تجارت و جنگ که در شعر هر دو شاعر مشاهده می‌شوند، در مقوله استعاره‌های ساختاری مفهوم «دنیا» قرار می‌گیرند. استعاره مفهومی ساختاری «دنیا به مثابه سرزمین است»، فقط در اشعار سعدی یافت شد. استعاره‌های مفهومی ساختاری با حوزه مبدأهای باغ، معدن، قصه، جادو، کوه، دیو و اژدها، ورزش، چاه، خیمه، آتش، غذا، دشت، محکمه‌گاه، صاعقه، مکتب، کندو، کمینگاه و روستا نیز تنها در اشعار پروین یافت شد. شکل (۱)، درصد فراوانی استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری «دنیا» در شعر دو شاعر را نمایش می‌دهد.



شکل ۱: درصد فراوانی انواع استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری دنیا در اشعار سعدی و پروین

فراوانی رخداد استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری «دنیا» در اشعار دو شاعر با جداسازی

قصیده و قطعه در جدول (۱) نشان داده شده‌است.

جدول ۱: مقایسه فراوانی رخداد گونه‌های مختلف استعاره‌های مفهومی هستی‌شناختی و

ساختاری «دنیا» در قصیده‌ها و قطعه‌های سعدی و پروین

نام شاعر	نوع شعر	تعداد استعاره‌های هستی‌شناختی	تعداد استعاره‌های ساختاری	مجموع
سعدی	قصیده	۱۸	۱۸	۳۶
	قطعه	۱۲	۳	۱۵
	مجموع	۳۰	۲۱	
پروین	قصیده	۸۳	۶۷	۱۵۰
	قطعه	۱۵	۶	۲۱
	مجموع	۹۸	۷۳	
مجموع		۱۲۸	۹۴	۲۲۲

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در این پژوهش بر اساس داده، در اشعار سعدی ۳۰ و در اشعار پروین ۹۸ استعاره مفهومی هستی‌شناختی، همچنین در اشعار سعدی ۲۱ و در اشعار پروین ۷۳ استعاره مفهومی ساختاری شناسایی شده‌است. بر مبنای داده‌های پژوهش می‌توان گفت فراوانی رخداد استعاره‌های هستی‌شناختی و نیز استعاره‌های ساختاری در قصیده‌ها و قطعه‌های پروین بیشتر از فراوانی رخداد آن در قصیده‌ها و قطعه‌های سعدی است. روی هم رفته، فراوانی رخداد استعاره‌های مفهومی هستی‌شناختی در اشعار هر دو شاعر بیش از فراوانی رخداد استعاره‌های ساختاری است (جدول ۱). در ادامه، برای بازنمون تفکر غالب دو شاعر به بررسی، مقایسه و تحلیل دقیق‌تر استعاره‌های مفهومی هستی‌شناختی و ساختاری «دنیا» در اشعار دو شاعر می‌پردازیم (جدول ۲).

جدول ۲: فراوانی و ویژگی‌های استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری دنیا در قصیده‌ها و

قطعه‌های سعدی و پروین

ویژگی	پروین		سعدی		نام شاعر	ردیف
	قطعه	قصیده	قطعه	قصیده		
دارای قدرت پوشاندگی کردارها و نیات	۰	۰	۰	۱	دنیا شیء استتار است.	۱

بی‌ارزش بودن	۰	۱	۳	۱	دنیا شیء بی‌ارزش است.	۲
فناپذیری و زوال	۰	۲	۰	۱	دنیا شیء فانی است.	۳
مخاطره‌آمیز و آسیب‌رسان	۰	۰	۰	۱	دنیا شیء کوفتن و خرد کردن است.	۴
موقتی بودن، ناپایداری	۱	۱	۱	۲	دنیا شیء از دست دادنی است.	۵
دلالت بر وجود دنیای مادی و دنیای غیر مادی	۰	۲	۱	۲	دنیا شیء ظرف است.	۶
ناپایداری و منتهی به مرگ بودن	۰	۰	۱	۰	دنیا شیء موروثی است.	۷
گذرا بودن	۰	۰	۱	۱	دنیا کشتی / شیء روی آب است.	۸
گذرا بودن	۱	۰	۱	۲	دنیا شیء متحرک است.	۹
مخاطره‌آمیز و آسیب‌رسان	۰	۳	۰	۰	دنیا شیء صیادی است.	۱۰
مخاطره‌آمیز و آسیب‌رسان	۰	۲	۰	۰	دنیا شیء آلوده / شیء کشتن است.	۱۱
فریبندگی	۰	۱	۰	۰	دنیا شیء تو خالی و پر سرو صدا ست.	۱۲
فریبندگی و در عین حال ناپایداری	۰	۱	۰	۰	دنیا سفره / شیء گستردنی است.	۱۳
هدفمند بودن	۰	۱	۰	۰	دنیا شیء ثبت اعمال است.	۱۴
مخاطره‌آمیز و آسیب‌رسان	۰	۲	۰	۰	دنیا شیء جنگ است.	۱۵
مخاطره‌آمیز و نیازمند برخورد خردمندانه	۰	۲	۰	۰	دنیا شیء سنگین / شیء برای کشیدن حصار است.	۱۶
هدفمند بودن	۰	۲	۰	۰	دنیا شیء ارزشمند و محدود / شیء نوشتن است.	۱۷
نیازمند برخورد خردمندانه و توجه به اعمال	۰	۲	۰	۰	دنیا شیء اسرارآمیز / شیء غربالگری است.	۱۸
مخاطره‌آمیز و آسیب‌رسان	۰	۱	۰	۰	دنیا شیء کوبیدن و نرم کردن است.	۱۹
فریبندگی	۰	۱	۰	۰	دنیا شیء به ظاهر زیبا است.	۲۰
دارای قدرت انجام کار	۰	۰	۰	۲	دنیا انسان (عام) است.	۲۱

۲۲	دنیا مادر نامهربان است.	۲	۰	۰	۰	عدم شایستگی برای تعلق خاطر
۲۳	دنیا انسان بی وفا است.	۱	۲	۴	۰	عدم شایستگی برای تعلق خاطر
۲۴	دنیا زن است.	۱	۱	۲	۰	فریبندگی
۲۵	دنیا انسان بی مهر است.	۰	۰	۱	۱	عدم شایستگی برای تعلق خاطر
۲۶	دنیا سیه کار و مکار است.	۰	۰	۴	۰	عدم شایستگی برای تعلق خاطر
۲۷	دنیا فتنه گر است.	۰	۰	۱	۰	عدم شایستگی برای تعلق خاطر
۲۸	دنیا همراه و عاشق است.	۰	۰	۱	۰	هدمند و قابل برنامه ریزی و سرمایه گذاری
۲۹	دنیا صیاد است.	۰	۰	۴	۰	مخاطره آمیز و آسیب رسان
۳۰	دنیا پیر آگاه و باتجربه است.	۰	۰	۲	۰	هدمند و قابل برنامه ریزی و سرمایه گذاری
۳۱	دنیا خسیس است.	۰	۰	۱	۰	عدم شایستگی برای تعلق خاطر
۳۲	دنیا جوله و بافنده است.	۰	۰	۱	۰	فریبندگی
۳۳	دنیا استاد و معلم است.	۰	۰	۲	۱	آگاهی دهنده
۳۴	دنیا دزد و راهزن است.	۰	۰	۴	۲	مخاطره آمیز و آسیب رسان
۳۵	دنیا آدمکش و قاتل / خودکامه و مستبد است.	۰	۰	۲	۰	مخاطره آمیز و آسیب رسان
۳۶	دنیا ستمگر و سنگدل است.	۰	۰	۱	۱	مخاطره آمیز و آسیب رسان
۳۷	دنیا ساحر و جادوگر است.	۰	۰	۱	۰	نیازمند برخورد خردمندانه
۳۸	دنیا دشمن / اهریمن / طباخ و آشپز است.	۰	۰	۳	۰	مخاطره آمیز و آسیب رسان
۳۹	دنیا دایه نامهربان / معشوق بی مهر / یاغی است.	۰	۰	۳	۰	عدم شایستگی برای تعلق خاطر
۴۰	دنیا تاجر سودجو است.	۰	۰	۲	۰	عدم شایستگی برای تعلق خاطر

خاطر						
عدم شایستگی برای تعلق خاطر	۰	۴	۰	۰	دنیا پیر / بی‌باک و بدرفتار / طیب غیر متعهد / بداندیش است.	۴۱
مخاطره‌آمیز و آسیب‌رسان	۱	۱	۰	۰	دنیا ستیزه‌گر و جنگجو است.	۴۲
مخاطره‌آمیز و آسیب‌رسان	۰	۱	۰	۰	دنیا زبردست و ماهر است.	۴۳
آگاهی دهنده	۰	۱	۰	۰	دنیا قصه‌گو و راوی است.	۴۴
فریندگی	۰	۱	۰	۰	دنیا صراف است.	۴۵
محل تعیین سرنوشت	۰	۱	۰	۰	دنیا نویسنده و دبیر است.	۴۶
پوشاننده حقایق	۱	۱	۰	۰	دنیا صباغ و رنگرز	۴۷
قدرت، محل تعیین سرنوشت	۱	۱	۰	۰	دنیا پادشاه است.	۴۸
محل تعیین سرنوشت	۲	۰	۰	۰	دنیا خیاط است.	۴۹
عدم شایستگی برای تعلق خاطر	۲	۰	۰	۰	دنیا انسان تندخو / میزبان و سفره‌دار است.	۵۰
مخاطره‌آمیز و آسیب‌رسان	۰	۳	۰	۱	دنیا گرگ است.	۵۱
مخاطره‌آمیز و آسیب‌رسان	۰	۲	۱	۰	دنیا اسب سرکش است.	۵۲
زشتی و تباهی و سیاهی	۰	۱	۰	۰	دنیا زاغ است.	۵۳
فریندگی	۱	۱	۰	۰	دنیا روباه است.	۵۴
فناپذیری و منتهی به مرگ بودن	۰	۲	۰	۰	دنیا درخت است.	۵۵
استعاره‌های ساختاری						
ناپایداری	۲	۸	۰	۶	دنیا ساختمان است.	۱
هدفمندی	۰	۱۶	۱	۴	دنیا سفر است.	۲
محل تعیین سرنوشت	۰	۳	۰	۴	دنیا مزرعه است.	۳
مخاطره‌آمیز و آسیب‌رسان	۰	۵	۰	۱	دنیا دریاست.	۴
محل تعیین سرنوشت	۰	۲	۰	۱	دنیا اقتصاد و تجارت است.	۵
محل تعیین سرنوشت	۰	۲	۱	۰	دنیا جنگ است.	۶
محل تعیین سرنوشت	۰	۰	۱	۲	دنیا سرزمین است.	۷
محل تعیین سرنوشت	۰	۳	۰	۰	دنیا باغ است.	۸

۹	دنیا معدن است.	۰	۰	۱	۰	محل تعیین سرنوشت
۱۰	دنیا قصه / جادو است.	۰	۰	۲	۰	فریبندگی
۱۱	دنیا کوه است.	۰	۰	۴	۰	مخاطره آمیز و آسیب رسان
۱۲	دنیا دیو و اژدهاست.	۰	۰	۶	۰	مخاطره آمیز و آسیب رسان
۱۳	دنیا ورزش است.	۰	۰	۳	۰	نیازمند برخورد خردمندان
۱۴	دنیا چاه است.	۰	۰	۲	۰	مخاطره آمیز و آسیب رسان
۱۵	دنیا خیمه است.	۰	۰	۱	۰	ناپایداری
۱۶	دنیا آتش است.	۰	۰	۱	۱	مخاطره آمیز و آسیب رسان
۱۷	دنیا غذا است.	۰	۰	۲	۰	مخاطره آمیز و آسیب رسان
۱۸	دنیا دشت / صاعقه است.	۰	۰	۲	۰	مخاطره آمیز و آسیب رسان
۱۹	دنیا محکمه گاه است.	۰	۰	۲	۰	مخاطره آمیز و آسیب رسان
۲۰	دنیا مکتب است.	۰	۰	۱	۱	عدم شایستگی برای تعلق خاطر
۲۱	دنیا کندو است.	۰	۰	۱	۰	مخاطره آمیز و آسیب رسان
۲۲	دنیا کمینگاه است.	۰	۰	۰	۱	مخاطره آمیز و آسیب رسان
۲۳	دنیا روستاست.	۰	۰	۰	۱	کم ارزش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در اشعار سعدی استعاره هستی‌شناختی «دنیا به مثابه شیء است» و در اشعار پروین استعاره مفهومی هستی‌شناختی «دنیا به مثابه انسان است» از فراوانی بالایی برخوردار است. فراوانی بالای استعاره‌های هستی‌شناختی «دنیا» در اشعار دو شاعر می‌تواند دلالت بر این امر باشد که آن‌ها تجربه‌های دنیا را که تجربه‌های غیر جسمانی هستند، غیر روشن پنداشته‌اند و بنابراین تلاش نموده‌اند تا آن را با تجربه‌های روشن‌تر؛ یعنی تجربه‌های جسمانی، به شکل مفهوم‌تری تبیین کنند. استعاره‌های مفهومی «دنیا به مثابه مبدأ شیء بی‌ارزش است»، «دنیا به مثابه شیء فانی است»، «دنیا به مثابه شیء از دست دادنی است»، و «دنیا به مثابه شیء متحرک است»، در شعر دو شاعر مشاهده شده است. این استعاره‌ها احساس عدم دل‌بستگی به دنیا را در مخاطب بر می‌انگیزند و بنابراین می‌توان این‌گونه انگاشت که هر دو شاعر، دنیا و وابستگی‌های آن را به دلایلی همچون بی‌ارزش بودن، ناپایداری و زوال، از بین رفتنی بودن و گذرا بودن، شایسته وابستگی و دل‌بستگی ندانسته‌اند. استعاره مشترک «دنیا به مثابه شیء ظرف است» نیز می‌تواند بیانگر مفهوم درون و بیرون برای دنیا و به بیانی مفهوم دنیای مادی و دنیای ورای ماده؛ یعنی آخرت باشد

زیرا ظرف، محتوا و مرزبندی را برجسته می‌سازد. این استعاره دلالت بر باور و ایمان دو شاعر به دنیای آخرت و روز قیامت دارد. سعدی در استعاره «دنیا به مثابه شیء کوفتن و خرد کردن است» و پروین با استعاره‌های «دنیا به مثابه شیء صیادی، شیء آلوده، شیء جنگ، شیء کشتن و شیء کوبیدن و نرم کردن است»، جنبه آسیب‌رسانی خوشی‌ها و لذت‌های دنیوی به عمر انسان را برجسته‌سازی کرده‌اند و تلاش نموده‌اند چستی حیات دنیوی را برای مخاطب روشن سازند و به او هشدار دهند که سهل‌انگاری و ناآگاه بودن نسبت به کردارها، چگونه می‌تواند سبب تباهی عمر او گردد و به حیات اخروی او آسیب زند. گفتنی است در شعر پروین دیگر انواع استعاره‌های هستی‌شناختی شیء مانند «دنیا به مثابه شیء ارزشمند و محدود، شیء ثبت اعمال، شیء نوشتن است» یافت شده‌اند که درک و تجربه متفاوتی از دنیا را برجسته‌سازی می‌کنند؛ به گونه‌ای که مخاطب با آن برخورد خردمندانه داشته باشد؛ یعنی آن را چیزی هدفمند فرض کند و برای حیات دنیوی‌اش برنامه‌ریزی کند تا عمرش هدر نرود و با انجام اعمال نیک، ذخیره مناسبی را برای زندگی اخروی پس‌انداز کند.

در مورد استعاره‌های هستی‌شناختی انسان‌انگاری نکته قابل توجه آن است که با وجود به کارگیری ناچیز این استعاره در اشعار سعدی، استعاره‌های «دنیا به مثابه انسان بی‌وفا است» و «دنیا به مثابه زن است»؛ در شعر هر دو شاعر دیده شد که می‌تواند نمایانگر تأثیرپذیری پروین از سعدی برای نوع نگاه به مفهوم «دنیا» باشد. «دنیا به مثابه زن است»، فریبندگی دنیا را به دلیل زیبایی، لذت و خوشی‌ها بازنمایی می‌کند. همان‌گونه که پیش‌تر هم اشاره شد، پروین در اشعارش برای مفهوم‌سازی دنیا بر مبنای داده بیشتر از استعاره هستی‌شناختی تشخیص بهره گرفته است. او «دنیا» را انسان انگاشته؛ ولی چون استعاره «دنیا به مثابه انسان است»، تمامی جنبه‌های دنیا را نشان نمی‌دهد، با استعاره‌های دقیق‌تری مانند «دنیا به مثابه دزد و راهزن است»، «دنیا به مثابه انسان مکار است»، «دنیا به مثابه صیاد است» و مانند آن، تلاش کرده نگاه و اندیشه و عملکرد مخاطب به دنیا را روشن سازد. او کوشیده درک و نگرشی در مخاطب از «دنیا» ایجاد کند که گویی دنیا جایگاهی پرمخاطره است که هر آن ممکن است منجر به آسیب رسیدن به انسان شود، بنابراین مخاطب را به کنش‌هایی مانند تعیین اهداف، بی‌اعتنایی به مال و اموال دنیوی، توجه به اعمال و رفتار و نظایر آن وامی‌دارد. در شعر او استعاره‌های هستی‌شناختی تشخیص برای مفهوم «دنیا» با فراوانی چشمگیری در قالب انسان پیشه‌ور چون نویسنده، خیاط و پادشاه آشکار شده است تا پدیده انتزاعی دنیا را با کاربرد واژه‌های انسانی برای مخاطبان خود قابل فهم کند و تجربه‌های مهمی مانند جایگاه تعیین سرنوشت را برجسته کند. استعاره «دنیا به مثابه پادشاه است»، برای بسیاری از مخاطبان می‌تواند تأثیر

بازخوردی داشته باشد و کنش‌های آینده آن‌ها را هدایت نماید. در دنیایی که به سبب ناآگاهی و شناخت ناکافی هیچ‌کس توان درک و فهم حقیقی چستی زندگی را ندارد، استعاره «دنیا به مثابه دزد است» با فراوانی بالا در اشعار پروین، توضیحی منطقی برای چرایی زیان‌هایی که دنیا می‌تواند برای انسان داشته باشد، فراهم می‌سازد و بنابراین مخاطب را به هدفمند بودن و توجه به اعمال و رفتار برای دور ماندن از آسیب‌ها، ترغیب می‌کند. در استعاره‌های هستی‌شناختی حیوان‌انگاری، استعاره‌های «دنیا به مثابه گرگ است» و «دنیا به مثابه اسب سرکش است»، در شعر دو شاعر دیده شده که می‌تواند تأیید کننده تأثیرپذیری اندیشه پروین از سعدی در نگاه به دنیا باشد. البته پروین از استعاره‌های «دنیا به مثابه زاغ است» و «دنیا به مثابه روباه است» نیز برای مفهوم‌سازی دنیا یاری گرفته است. در استعاره‌های مفهومی هستی‌شناختی حیوان‌انگاری، با توجه به ویژگی‌های ذاتی و طبیعی برای حیوانات به کاررفته مانند خوی وحشی‌گری گرگ و یا ویژگی‌های در نظر گرفته‌شده فرهنگی همچون حيله‌گر بودن برای روباه، ویژگی‌های آسیب‌رسانی، بی‌وفایی، سرکشی، سیاهی، زشتی و فریبندگی و در کل عدم شایستگی برای تعلق خاطر برای مفهوم دنیا بازنمایی می‌شوند. پروین از استعاره هستی‌شناختی گیاه‌انگاری «دنیا به مثابه درخت است»، برای مفهوم‌سازی دنیا بهره گرفته است تا ویژگی فناپذیری «دنیا» را برجسته‌سازی نماید و بر اساس ویژگی‌های زندگانی درختان در فصول سرد و گرم، منتهی به مرگ بودن زندگی دنیوی، رستخیز و زندگی ابدی را در ذهن مخاطب تداعی نماید. هر دو شاعر به یاری استعاره‌های هستی‌شناختی «دنیا» کوشیده‌اند پنجره‌هایی برای نگرستن به مفهوم دنیا برای مخاطب بسازند تا آن را بر اساس تجربه‌های خود که از اجسام فیزیکی و به ویژه بدن و جسم خود دارد، به مثابه هستی‌ها و مواد درک کند و به این ترتیب، مخاطب را در درک موقعیتی که در دنیا دارد، راهنمایی کنند و با اشاره به جنبه‌های خاصی از آن مانند فانی بودن و بی‌دوامی، به او کمک کنند تا عملکرد مناسبی را در پیش گیرد.

در مورد استعاره‌های مفهومی ساختاری این نکته را باید اشاره نمود که استعاره‌های «دنیا به مثابه ساختمان است»، «دنیا به مثابه سفر است»، «دنیا به مثابه مزرعه است»، «دنیا به مثابه دریاست»، «دنیا به مثابه اقتصاد و تجارت است» و «دنیا به مثابه جنگ است» در شعر هر دو شاعر یافت شد. هر دو شاعر تلاش کرده‌اند از مفاهیم ساختمان‌داری مانند ساختمان، سفر، مزرعه، دریا و مانند آن برای ساختار بخشیدن به مفهوم «دنیا» بهره گیرند و با توجه به آنکه مخاطب درک روشنی از ساختمان، سفر، مزرعه، دریا، اقتصاد و تجارت و جنگ دارد، چستی «دنیا» را به وسیله این مفاهیم که درک آن‌ها ساده‌تر است، مفهوم‌سازی کنند. در شعر دو شاعر، استعاره کلی «دنیا به مثابه ساختمان است»، به صورت استعاره‌های مفهومی خاص‌تر مانند «دنیا به مثابه خرابه است»؛ «دنیا به مثابه سرای سپنجی

است» و مانند آن مشاهده گردیده‌است. گویی، از آن‌جا که مفهوم «ساختمان» نوعی پابرجایی، امنیت، احساس راحتی و تعلق خاطر را برای مخاطب تداعی می‌کند، دو شاعر تلاش کرده‌اند با استعاره‌های خاص‌تر و مفاهیمی چون «خرابه»، «ویرانه» و «سرای سپنجی»، بی‌دوامی دنیا و خوشی‌های آن را برجسته‌سازی و یادآوری کنند. استعاره کلی «دنیا سفر است» به این واقعیت اشاره دارد که همان‌گونه که سفر مسیری را روشن می‌سازد، زندگی در دنیا نیز هدفمند است. از نگاهی دیگر، همان‌گونه که انسان برای سفر نیازمند بایسته‌های سفر است، برای گام برداشتن به سوی زندگانی جاودان نیز نیاز به توشه و زادی دارد که در دنیا با انجام اعمال نیک باید گردآوری کند. استعاره خاص‌تر «دنیا به مثابه دوراهی است»، در شعر هر دو شاعر نشانگر آن است که هر دو تلاش کرده‌اند بر مبنای آموزه‌های دینی، ویژگی اختیار در نوع انسان را برجسته‌سازی کنند و نشان دهند که انسان برای انجام کارهای خوب و بد اختیار دارد و جایگاه هر فرد در آخرت بستگی به اعمالی دارد که در دنیا انجام می‌دهد. از سویی به کارگیری استعاره‌های مفهومی خاص‌تر «دنیا به مثابه راه تاریک است»؛ «دنیا به مثابه راه ناهموار است»؛ «دنیا به مثابه راه ناشناخته است»؛ «دنیا به مثابه راه آخرت است»؛ «دنیا به مثابه محل کوچ است»؛ «دنیا به مثابه راه است» در شعر پروین نمایانگر تلاش او است که می‌خواهد با ایجاد گوناگونی در مفهوم‌سازی دنیا، به مخاطب خود هشدار دهد زندگانی دنیا شایسته دلبستگی نیست؛ زیرا زودگذر است و می‌خواهد به او بفهماند چنان‌چه از عملکرد خود بی‌خبر باشد، زندگانی دنیا مخاطره‌آمیز خواهد بود و به آسایش او در حیات اخروی اش آسیب خواهد رساند. استعاره «دنیا به مثابه مزرعه است» از یک بنیان فرهنگی مستحکم برخوردار است. این استعاره منجر به شکل‌گیری شباهت‌هایی میان دنیا و مزرعه می‌شود. هر دوی آن‌ها محلی برای کار و تلاش و کشت در یک بازه زمانی محدود هستند، هر دو فرآورده‌ای به دست می‌دهند که به عنوان توشه و ذخیره برای روزهای سرد و سختی است که امکان کشت وجود ندارد. هرچند مفهوم کشت و کار در مزرعه مستقل از استعاره است، ولی مفهوم کشت و کار در دنیا با این استعاره است که شکل می‌گیرد و بازنمون تفکر مشترک دو شاعر در پیوند با باور به آخرت است و اینکه هر انسانی باید در دنیا خردمندانه رفتار کند و در فرصت اندکی که برای زیستن دارد، نسبت به انجام کارهای شایسته و نیک اقدام کند تا خوشبختی ابدی را برای خود رقم زند. بررسی استعاره‌های مفهومی ساختاری غیر مشترک در اشعار دو شاعر مانند «دنیا به مثابه ملک و سرزمین است»، در شعر سعدی یا «دنیا به مثابه آتش است»، در شعر پروین نیز غالباً نمایان‌گر ناپایداری دنیا، لزوم عدم دلبستگی به دنیا، لزوم توجه به آخرت از طریق تلاش و عمل، دانش‌اندوزی، انجام اعمال نیک و نیکی کردن به دیگران برای رستگاری است. استعاره‌های

ساختاری دنیا در شعر دو شاعر، مخاطب را وادار به پذیرش دیدگاهی خاص نسبت به مفهوم دنیا و رفتار کردن بر اساس آن دیدگاه می‌کنند. مخاطب، «دنیا» را بر اساس استعاره‌های «دنیا به مثابه ساختمان است»، «دنیا به مثابه سفر است»، «دنیا به مثابه دریاست» و مانند آن درک می‌کند و در اعمالش در نظر می‌گیرد؛ زیرا این استعاره‌ها در نظام مفهومی فرهنگی که در آن پرورش یافته‌است، شکل گرفته‌اند. ویژگی‌های ناپایداری دنیا، زودگذر بودن آن، فریبندگی دنیا با این استعاره‌ها نمایان می‌شوند؛ در حالی که خوشی‌ها و لذت‌های دنیوی در پس آن‌ها به حاشیه رانده می‌شوند و پنهان می‌گردند. تنوع استعاره‌های مفهومی دنیا در اشعار دو شاعر بیانگر آن است که سعدی و پروین برای مفهوم «دنیا» جنبه‌های گوناگونی را در نظر گرفته بوده‌اند و تلاش کرده‌اند به وسیله هر یک از استعاره‌های مفهومی امکان فهم برخی از جنبه‌های مفهوم «دنیا» را برای مخاطب فراهم سازند تا روی هم‌رفته مخاطب به درکی منسجم از چیستی و ماهیت دنیا دست یابد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

مفهوم «دنیا» یک مفهوم انتزاعی و ذهنی است. این مفهوم گاه آشکارا و گاه با مفاهیم هم‌معنای خود همچون «جهان»، «گیتی»، «روزگار»، «زمانه»، «دهر»، «ایام»، «عالم»، «خاک‌دان»، «سپهر» و «فلک» در اشعار تجلی یافته‌است؛ مانند این مصرع از سعدی که می‌گوید: «دنیا مثل بحر عمیقست پر نهنگ» (Saadi, 2002, p. 810) یا این بیت از پروین که می‌گوید: «از دل سفینه باید و از دیده ناخدای؛ در بحر روزگار که کنه و کران نداشت» (Etessami, 2018, p. 55) که در آن استعاره مفهومی «دنیا به مثابه بحر است»، «دنیا» را به واسطه مفهوم «دریا» سازمان می‌دهد. همان‌گونه که دریا ژرف و عمیق و ناشناخته است، دنیا نیز بیکران و بی‌پایان است. همان‌گونه که دریا پرمخاطره است و در آن خطر غرق‌شدن، خطر یورش حیوان‌های کلان‌پیکر و مانند آن وجود دارد، دنیا نیز پرمخاطره است و باید راهبردهایی را طراحی کرد و به کار گرفت تا از غرق‌شدن در آن نجات یافت. گاهی نیز درک آن بر اساس معنای بافتی امکان‌پذیر می‌گردد؛ مانند بیتی از سعدی که می‌گوید: «سرای آخرت آباد کن به حسن عمل؛ که اعتماد بقا را نشاید این بنیان» (Saadi, 2002, p. 792) که با توجه به مصرع نخست می‌توان دریافت مصرع دوم اشاره به مفهوم «دنیا» دارد و استعاره مفهومی «دنیا به مثابه ساختمان است»، «دنیا» را با مفهوم «ساختمان» سازمان می‌دهد و با اشاره به ویژگی فناپذیری و سستی، تزلزل آن را در ذهن تداعی می‌کند تا مخاطب دریابد برای آسایش در دنیای پس از مرگ باید هر چه سریع‌تر بکوشد و اعمال نیکو انجام دهد.

در این پژوهش بر اساس پژوهش کمی داده‌ها که در جدول‌ها و نمودار نمایش داده شد و تحلیل‌های انجام‌شده، یافته‌های زیر به دست آمد: فراوانی رخداد استعاره‌های هستی‌شناختی و استعاره‌های ساختاری «دنیا» در اشعار پروین بیشتر از اشعار سعدی است و در کل در شعر هر دو شاعر فراوانی رخداد استعاره‌های هستی‌شناختی «دنیا» بیش از فراوانی رخداد استعاره‌های ساختاری «دنیا» است. سعدی بیشتر با استعاره‌های هستی‌شناختی شیء‌انگاری «دنیا» کوشیده‌است پنجره‌هایی برای نگرستن به مفهوم دنیا برای مخاطب بسازد تا آن را بر اساس تجربه‌های خود که از اجسام فیزیکی به مثابه مواد دارد، درک کند؛ ولی پروین بیشتر با استعاره‌های هستی‌شناختی انسان‌انگاری «دنیا» تلاش کرده که مخاطب مفهوم دنیا را بر اساس تجربه‌هایی که از بدن و جسم خود دارد، به مثابه هستی‌ها درک کند. هر دو شاعر به این ترتیب کوشیده‌اند تا مخاطب را در درک موقعیتی که در دنیا دارد، راهنمایی کنند و با اشاره به جنبه‌های ویژه‌ای از آن همچون ناپایدار بودن و بی‌دوامی، به او کمک کنند تا عملکرد مناسبی را در پیش گیرد. استعاره‌های ساختاری دنیا در شعر دو شاعر، مخاطب را وادار به پذیرش دیدگاهی ویژه نسبت به مفهوم دنیا و رفتار کردن بر اساس آن دیدگاه می‌کنند. مخاطب، «دنیا» را بر اساس استعاره‌های «دنیا به مثابه ساختمان است»، «دنیا به مثابه سفر است»، «دنیا به مثابه دریاست» و مانند آن درک می‌کند و در کردارش در نظر می‌گیرد؛ زیرا این استعاره‌ها در نظام مفهومی فرهنگی که در آن پرورش یافته‌است، شکل گرفته‌اند. ویژگی‌های ناپایداری دنیا، زودگذر بودن آن، فریبندگی دنیا با این استعاره‌ها نمایان می‌شوند؛ در حالی که خوشی‌ها و لذت‌های دنیوی در پس آن‌ها به حاشیه رانده می‌شوند و پنهان می‌گردند.

بر اساس یافته‌ها هر دو شاعر، دنیا و وابستگی‌های آن را به دلایلی همچون بی‌ارزش بودن، ناپایداری و زوال، از بین رفتنی بودن و گذرا بودن، شایسته وابستگی و دل‌بستگی ندانسته‌اند و به وجود دنیای پس از مرگ باور دارند. نتیجه ارائه‌شده با نتیجه پژوهش مراد و حسنوند (Morad & Hassanvand, 2018) که پروین را دنیاستیز دانسته‌اند، به نوعی همخوانی دارد. سخن پایانی آنکه گوناگونی استعاره‌های مفهومی دنیا در اشعار دو شاعر بیانگر آن است که سعدی و پروین برای مفهوم «دنیا» جنبه‌های گوناگونی را در نظر گرفته بوده‌اند. از آن‌جا که هیچ‌یک از استعاره‌ها برای درک کامل و فراگیر همه جنبه‌های مفهوم دنیا کافی نیست، آن‌ها تلاش کرده‌اند به وسیله هر یک از استعاره‌های مفهومی امکان فهم برخی از جنبه‌های مفهوم «دنیا» را برای مخاطب فراهم سازند تا بر پایه آن‌ها مخاطب به درکی منسجم از چیستی و ماهیت دنیا دست یابد. روی هم رفته، با توجه به یافته‌ها می‌توان بیان کرد رویکرد پروین به دنیا تا اندازه چشمگیری تأثیرپذیرفته از رویکرد سعدی بوده‌است؛ هر چند که به نظر پروین بر اساس سرشت زنانه نوعی احساس مادرانه نسبت به

مخاطب خود ابراز داشته و بیشتر از استعاره‌ها برای مفهوم‌سازی دنیا بهره گرفته تا به او برای دست‌یابی به خوشبختی جاودانه کمک کند.

فهرست منابع

- اعتصامی، پروین (۱۳۹۶). *دیوان اشعار*. تهران: نشر ثالث.
- امیدعلی، حجت‌اله (۱۴۰۰). «تحلیل خشم در مثنوی مولوی با تکیه بر نظریه استعاره مفهومی لیکاف». *متن‌پژوهی ادبی*. دوره ۲۵. شماره ۸۸. صص ۸۵-۶۰.
- خراسانی، فهیمه و غلامحسین غلامحسین زاده (۱۳۹۷). «استعاره مفهومی: نقطه تلاقی تفکر و بلاغت در قصاید ناصر خسرو». *فنون ادبی*. سال ۱۰. شماره ۱. صص ۸۴-۷۱.
- خزاعی اصفهانی، منیژه (۱۴۰۰). *بررسی تطبیقی استعاره و حوزه‌های مبدأ و مقصد در غزلیات حافظ و سعدی در چهارچوب زبان‌شناسی شناختی*. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۹۷). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی*. تهران: انتشارات سمت.
- سراج، اشرف و بهروز محمودی بختیاری (۱۳۹۷). «استعاره‌های هستی‌شناختی در شاهنامه فردوسی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی». *پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت*. دوره ۷. شماره ۲. صص ۹۴-۷۵.
- سعدی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۸۱). *کلیات*. تصحیح محمد علی فروغی. تهران: نشر پیمان.
- شریفی‌مقدم، آزاده، مریم آزادخواه و وحیده ابوالحسنی (۱۳۹۸). «مقایسه استعاره‌های مفهومی غم و شادی در اشعار پروین اعتصامی». *زبان‌پژوهی*. دوره ۱۱. شماره ۳۰. صص ۲۰۲-۱۷۹.
- صفوی، کورش (۱۳۹۵). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: انتشارات سوره مهر.
- غفوری‌صالح، گلناز و فروغ کاظمی (۱۴۰۰). «استعاره‌های مفهومی و کارکردهای آن‌ها در گفتمان سیاسی دولت تدبیر و امید». *علم‌زبان*. دوره ۸. شماره ۱۳. صص ۳۰۵-۳۳۳.
- قائمی، مرتضی و اختر ذوالفقاری (۱۳۹۵). «بررسی زبان‌شناختی استعاره عام «مقصود مقصد است»». *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*. دوره ۵. شماره ۱. صص ۲۰-۱.
- کارگر، شهرام، میثم زارع و بهرام شعبانی (۱۳۹۹). «بررسی نقش نور در مفهوم‌سازی عشق در غزلیات حافظ». *مجله ادبیات و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای*. دوره ۲. شماره ۳. صص ۲۳۴-۲۱۲.
- لیکاف، جرج و مارک جانسون (۱۳۹۵). *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*. ترجمه هاجر آقا ابراهیمی. تهران: نشر علم.
- مبارک، وحید؛ پارسا، احمد (۱۳۹۷). «بررسی و مقایسه استعاره در قصاید مسعود سعد و ناصر خسرو». *کارنامه متون ادبی*. دوره عراقی. دوره ۲. شماره ۵. صص ۷۷-۶۱.
- مراد، ندا و امیرحمزه حسنونند (۱۳۹۶). «کاربرد استعاره دنیا در شعر پروین با رویکرد شناختی». ارائه شده در سومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران. ۳ اسفند.

مشرف، مریم (۱۳۸۹). جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران. تهران: سخن.

هاشمی، زهره و ابوالقاسم قوام (۱۳۹۲). «نگرش احمد غزالی به عشق بر بنیاد نظریه استعاره شناختی». *ادب پژوهی*. شماره ۲۶. صص ۷۱-۴۹.

References

- El-Amin, m. (2017). "Conceitual metaphors of Love in 'Happy new year' - A poem by Suad Al Sabah", *US-China Foreign Language*, 15(9): 582-592.
- Etessami, P., (2018). *A collection of Parvin Etessami's poems*, Tehran: Sales publication. [In Persian]
- Evans, V.; Green, M. (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*, Edinburgh University Press.
- Geraerts, D. (2006). *Cognitive Linguistics: Basic Readings*, Berlin, New York: Mouton De Gruyter.
- Ghaemi, M.; Zolfaghari, A. (2016). "Study of the Cognitive Metaphors Referring to Wordily and Heavenly Lives in the Qur'an". *Linguistic Research in the Holy Koran*, 5(1): 1-20. [In Persian]
- Ghafourisaleh, G.; Kazemi, F. (2022). "Conceptual metaphors and their functions in the political discourse of the government of prudence and hope", *Tehran: Language Science* 8 (13), 305-333 [In Persian].
- Hashemi, Z.; Ghavam, A., (2014). "Ghazzali's viewpoint on Love based on Cognetive Metaphor Theoty". *Adab Pazhuhi*, 7(26): 49-71. [In Persian]
- Istiqomah, D.M. (2019). "Student character building on metaphor in Raja Ali Haji's and Robert Herrick's poems". *Journal of English Language, Literature, and Teaching*, 4(1): 29-36.
- Kargar, SH., Zare, M., Shaabani, B. (2020). "A Cognitive Analysis of the Concepts of "The role of light in making conceptual Love in Hafiz's sonnets". *Journal of Literary Interdisciplinary Research*, 2(3): 212-234. [In Persian]
- Khazaeefahani, M. (2021). *A comparative study of metaphors and source and target domains in the sonnets of Hafez and Saadi: A Cognitive Approach* (PhD Dissertation). Islamic Azad University, Zahedan [In Persian].
- Khorasani, F.; Gholamhosseinzade, GH, (2018). "Conceptual metaphor: the confluence of thought and eloquence in Naser Khosrow's odes", *Isfahan: Literary Arts*, 10(1): 71-84. [In Persian]
- Lakoff, G. (1993). *The contemporary theory of metaohor*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Lakoff, G., Johnson, M. (1999). *Philosophy in the Flesh: The Embodied Mind and its challenges to Western Thought*, Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G., Johnson, M. (2003). *Metaphors we live by*, Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. & Johnson, M., (2016). *Metaphors we live by*, Hajar Aгаebrahimi, Tehran: Elm publication. [In Persian]
- Langacker, R. (1987). *Foundations of Cognitive Grammar*, volume I., Stanford, CA: Stanford University Press.
- Lee, D. (2001). *Cognitive Linguistics*. New York: Oxford University Press.
- Mobarak, V.; Parsa, A., (2019). "A comparative study of metaphor in Massoud Sa'ad and Naser Khosrow's odes". *Journal of the workbook of literary texts*

- in Iraqi career*, 2(5): 61-77. [In Persian]
- Morad, N., Hassanvand, A.H., (2018). "Metaphorical application of world metaphor in Parvin's poems through cognitive approach", Tehran: *The 3rd International Conference of the Humanities and Cultural Studies*, <https://civilica.com/doc/749047>. [In Persian]
- Moshref, M. (2010). *A study of Iran's didactic literature*. Tehran: Sokhan publication. [In Persian]
- Mufeed, A. (2020). "Conceptual metaohors of time in sonnets of Shakespeare: A cognitive linguistic approach", *English Language and Literature Studies*, 10(2): 1-16.
- Naicker, S. (2020). "Reflections on decoloniality from a south African Indian perspective: conceptual metaohors in Vivekananda's poem "My Play Is Done", *Education as Change*, volume 24 (1), 1-20.
- Omidali, H., (2021). "Analysis of Anger in Rumi's Masnavi Relying on Lakoff's Conceptual Metaphor Theory". *Journal of Literary Text Research*, 25(88): 60-85. [In Persian]
- Rasekhmahand, M. (2018). *An introduction to cognitive linguistics: theories and concepts*, Tehran: Samt Publication. [In Persian]
- Saadi, Sh. M., (2002). *Saadi's Whole works, an amended version by Forugi*, Tehran: Peiman publication. [In Persian]
- Safavi, K. (2016). *An introduction to semantics*, Tehran: Sooreyemehr Publication. [In Persian]
- Seraj, A., Mahmudi Bakhtiyari (2018). "Analysis of Ontological Metaphors in Ferdowsi's Shahnameh through an Approach of Cognitive Linguistics", Tehran: *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, 7(2): 75-94. [In Persian]
- Sharifi Moghadam, A., Azadikhah, M., Abolhasani, V. (2019). "Comparison between Sadness and Happiness Conceptual Metaphors in the Songs of Parvin Etesam". *Zananpazhuhi*, 11(30): 179-202. [In Persian]
- Talmy, L. (2000). *Towards a cognitive semantics*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Yang, X. (2015). "Retracted: A Cognitive Poetic Approach to the Function of Metaphor". *Journal of Advances in Literary Study*, 3(3): 84-88.
- Ziadi, A., Dib, M., Baghli, A. (2022). "A Contrastive Study of English and Arabic Metaphor in Emily Dickinson's and Sulimane Djuadi's Poems". *Journal of Semiotique*, 17(2): 1030-1042.

